



آدینه محمد نظرزاده شاعر اشکاشمی

آدینه محمد نظرزاده در سال ۱۹۳۳ میلادی در روستای "رن" ناحیه اشکاشم ولایت مختار کوهستان بدخشان دیده به جهان هستی گشود سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۷ پس از ختم دوره دبستان، به آموزشگاه غایبانه آموزشی شهر خارغ فرستاده شد. همزمان در مکتب دیارش به حیث معلم ایفای وظیفه میکرد، در سال ۱۹۵۳ آموزشگاه مزبور را به اتمام رسانید. جهت تکمیل دانش خود به پایتخت رفته تا سال ۱۹۵۷ در بخش زبان و ادبیات تاجیک دانشکده آموزشی شهر دوشنبه (حالا دانشگاه آموزشی) تحصیل کرد و پس از فراغت از تحصیل به زادگاهش برگشت و در طول ۵۳ سال در مکتب متوسطه ناحیه به تعلیم و تدریس زبان و ادبیات فارسی و تاجیکی مشغول شده، شاگردان زیادی را به کمال رسانید.

آدینه محمد فارغ از تدریس با سبک خراسانی شعری سرود و اطمینان داشت، که معنی های بلند میتواند تنها با کلام ساده و روان و صمیمی منظور مخاطب گردند. اشعارش سرشار احساس پاک و خالصانه مهر و محبت بی پایان نسبت به وطن و زیبایی های ناکراران، ارزش های والای بشری و کسب دلته اش بود. سالین مدید محصول قلم او در روزنامه و مجله ها، نشر می شد، که همواره همیشه های محلی به آنها آهنگ تصنیف کرده، در همایش و جشن های سرودند.

ملک بدخشان از زمان های قدیم به شرافت مردان کوه تن و دریا دل و لعل معروفش مورد ستایش سرآمدان بزرگ ادبیات ما چون: استاد روکی، ناصر خسرو، جلال الدین محمد بلخی رومی، مولانا جامی، میرزا بیدل و دیگران قرار گرفته است.

در سرچشمه های تاریخی و تذکره ها با احترام نام بسیار شخصیت های ذکی و توانایی بدخشان که برای غنی گردانیدن معنویات ما خدمت ارزنده کرده اند، از جمله شیخ مبارک بدخشی، سید محمد، حشمت بدخشی، سید علی خان، حکیم شریفی، ملا صالح، غیاثی، نظمی، علی بدخشی، قیلان، قبولی، ملاشاه، کاشف بدخشی، پدرو پسر لعلی، و ابن لعلی، منظر، شکوهی، دوستی، واصلی، عبدالصمد، ملاکمال، رونقی و کامل بدخشانی ذکر شده، با آوردن نمونه ها از اشعارشان، کلامشان ستایش یافته است.

اشخاص هوشمند و صاحب طبع در همه دور و زمان ها احساس شان را نسبت به محیط زندگی و واقعات رخ داده، با شعر افاده نموده اند. از ماخذ های تاریخی و ادبی چنین بر می آید که محافل ادبی در بدخشان از قدیم وجود داشتند، چون این موضوع به محققان ادبیات حواله می شود، تنها یادآوری باید کرد که در هر گوشه از بدخشان بسیاری از اهل کلام و قلم، هنر پیش گذشتگان را ادامه داده، شعر میسرودند. در آخر عصر ۱۹ و اوّل بیست میلادی نیز اشخاص صاحب طبعی مثل صوفی مبارک قدم و خانی، ملایار و نجی، قدرت شغانی، مروت شاه روشانی، دولت شاه پامیری، خدمت شاه دروازی، ملا نظر شاه شگاشی، دولت عبدالله زاده و دیگران با کلام روان شان در بدخشان پند خاص و عام اند.

اشکاشم نیز قسمتی از این مکان شاعر آفرین است که در بین کوهساران سر بلند بدخشان واقع است. نام این ناحیه را در قدیم ترین سرچشمه های تاریخی می توان پیدا کرد: هم سیاحان چین قدیم، هم مارکوپولو، هم مولفان تاریخ نامه های

باستان و قرون وسطی و هم نژادگان آثار جغرافیائی مثل "حدود العالم" و "کتاب العرض" از این مکان نام برده اند و غناوت مادی و معنوی سرزمین و ساکنان آن را ذکر کرده اند.

صدها سال اشعار شاهی این مردم به مثل "بلیک" و "لیک" و "بیت و رباعیات" از نسل به نسل و از دهن به دهن گذشته تکمیل یافته اند و امروز هم در بین مردم سروده می شوند. شاید همین محبت بزرگ مردم محلی که هر قومش زبان باستانی خود را حفظ کرده است به شعر شاعری بود که هر ساکن این کوهستان از قدیم به زبان فارسی را گرامی می دارند، به اشعار شاعران فارسی زبان احترام میگذرانند و این شعر را پیر و پیشوای خود شمرده اند. محبوبیت داشتن ناصر خسرو، عبدالله انصاری، شمس تبریزی و سایر بزرگان ادب فارسی را در بین مردم بومی سبب همین باشد. و شاید توسط اشعار فارسی باشد که عده از شعرای محلی به مثل صوفی مبارکقدم، ملا شمشیر و خانی، ربابی، ملا جلال الدین، ملا نظر شاه شکاشمی، ملا صابر اندرابی، ناظم غارانی و دیگران امروز هم در بین مردم محلی به عنوان شخصیت های بزرگ یاد میشوند.

شاعر اشکاشمی صوفی مبارکقدم، که در قرن نهم میلادی می زیست، با تخلص مبارک و اخانی معروف است، از آن افتخار دارد که لعل بدخشان که از عهد رودکی تا زمان او چون تمثال لب شیرین یار زیبایی و قدرت و گران یابی در ادبیات فارسی وصف شده، به درستی از قعر قلب کوهسار سرکش اشکاشم کنده میشود:

آن لعل که مقصد جهان است بدو

با من برسد که از بدخشان من است

آینه محمد نظرزاده متولد همین مکان لعل بود و در شعر و شاعری سنت این همداران عارف و شعرپرور خود را ادامه می داد. او آرزو داشت، که اشعار سروده اش را در مجموعه ای گرد آورده، اما عمر وفا نکرد تا نخست مجموعه اشعارش به دست گیرد. در روزهای سرد زمستان سال ۲۰۰۶ قلب گرم مهرپرور و سرشار شعرش ناگهان از طپیدن بازماند بگذار بهشت صبر سرشت، مسکن ابدی روح پاکش باشد!

الان چکیده نی خامه رنگین بیان شاعر روانشاد پیشکش هواداران و دوستداران کلام بیعی می گردد و امید، که آن موردپند عزیز خواننده گرامی خواهد شد.

در سایش زحمکش

نام نیکش در دل خلق دیارش جا گرفت	هر که زحمت کرد از جان، شهرتش بالا گرفت
در دیار خویش تن خوش منزل و ماوا گرفت	مزد زحمت گشت او را ابرو و اعتبار
نخل باغ زندگی از فیض خود پربار کن	تا که داری قوه، بازو، عزیزم، کار کن
هر دری راوانما، هر خفته را پیدار کن	زحمت شائسته ات هر فصل را باشد کلید
جسم جانت را بده دردیگ زحمت آب تاب	مطلبت گر کامرانی، جانب زحمت شتاب
داد در عالم به انسان شان و شهرت بی حساب	این همان زحمت که آدم را در عالم آفرید

دیار باصفائی من

اشکاشم دل خواهم زیاده دل آراشد
کوه کمرت جمله پیوسته مکان گنج
اشکاشم سر سبز مآزاده مکان گردید
هر ساکن بانگ و آزاده پرست تو
اشکاشم آدام مارا تو دل وجانی
از راستی که دلکش باغ و چمن سبزی
اشکاشم زبیا م، پاکیزه سرشتی تو
بر اهل ریا و زهد، معقول اگر جنت
اشکاشم پر فیض ام، خوش باد و هواداری
رنجور اگر گردد در خانه تو ممان

بانام نکوی خویش آینه دل ما شد
آوازه لعل تو مشهور به دنیا شد
در دوره پیروزی آباد و کلان گردید
با معرفت و دانا هم رنگ زمان گردید
اندر نظرم امروز تو منزل خوبانی
گل گل بشکفت جا تو قلب بد خسانی
در فصل گل و لاله سرشاری کشت تو
صد بار برای من بهتر ز می بهشت تو
هگونه گرم چشمه صد چشمه ها داری
از آب شفا بخش، بخشیده شفا داری